

به نام خدا

جناب آقای دکتر ظریف

با سلام و آرزوی راه‌سپاری در راه حق

وقتی پس از کش و قوس استعفای جنابعالی در روزنامه دیدم که متولی برگزاری همایشی درباره **وفاق ملی** شدی بسیار شادمان شدم. خوشحالی‌ام از آن رو بود که فردی چون شما عزم جزم کردید تا شعار وفاق ملی رئیس جمهور را با رویکرد علمی تبیین و مصادیق عملی آن را روشن کنید. نگرانی‌ام آن بود که این اصطلاح وفاق علمی که چندان پیشینه‌نظری ندارد نیز چونان واژگان سلفش مانند عدالت اجتماعی و جامعه‌مدنی و چه و چه که دلگرم کننده و اما بی پشتوانه بودند سقط جنین نشود، بر این اساس با وجود اینکه محورهای همایش شما حکایت از مفهوم‌زدگی و سیاسی‌نگری می‌کرد و از جامعیت برخوردار نبود بنا به وظیفه ملی_تخصصی با ارسال خلاصه مقاله‌ای به دبیرخانه تلاش کردم تا شرح دهم نظام‌اجرایی و اداری با جاری‌سازی انواع عدالت و تکثرگرایی چه نقشی در تحقق وفاق در سطح ملی دارد و برای این کار راهکارهایی نیز ارائه دهم...

چندی بعد پس از ارسال خلاصه، ایمیلی از دبیرخانه دریافت کردم که اصل مقاله را بفرستید. شیوه پاسخ دبیرخانه همایش، برای بنده که در ده‌ها همایش ملی سخنرانی کرده‌ام و در اجرای چندینی از آنها نیز حضور داشته‌ام بیانگر چند پیام منفی بود. پیام‌هایی چون ارائه نشدن بازخوردها و توصیه‌های کمیته علمی به نویسندگان، مشخص نشدن فرمت تهیه اصل مقالات، آدرس و تلفن همایش در پایین ایمیل....

با وجود این نشانه‌ها که بیانگر حرفه‌ای عمل نکردن آن دبیرخانه بود، و گمان بردم این نوع پاسخ فقط با نگاهی سرسری توسط دست‌اندرکاران دبیرخانه انجام گرفته است اما به قول قدما حمل بر صحت کرده و اصل مقاله را ارسال کردم. با تاخیر و بدقولی در اجرا و درخواست مجدد مقاله از سوی دبیرخانه فهمیدم که همایش دچار عدم استقبال جدی است. در این فاصله جسته و گریخته، از مذاکره دبیرخانه با این

و آن **سلیبرتی تریبونی** می شنیدم که از آنان و افرادی مشخص برای سخنرانی و حضور در پنل‌های همایش دعوت به عمل می‌آید. (از همان افرادی که فقط دو کلمه بلدند بیایند و بگویند باید گفتگو کنیم و نقد. و دریغ از آن که بتوانند راهکارهایی بنا به اقتضای فرهنگی و ساختاری ارائه دهند).

تکلیف مقاله من

در عصر دوشنبه مورخ ۱۷ دی ماه ایمیلی دریافت کردم که: مقاله شما تایید رسانه‌ای شده است و اقدامات بعدی متعاقبا به اطلاع شما می‌رسد. پاسخی قابل انواع تفسیرها. پاسخی که حکایت از آن می‌کند تمام این پوستر و دبیرخانه و چه و چه، فقط کاری صوری بوده برای ایجاد محفلی برای سخنرانی افرادی مشخص با جهتگیری های همسو. چیزی از جنس کارهایی که جناح مخالف شما هم برای تمدن سازی و غیره کرده و می‌کند.

جناب آقای دکتر ظریف

اکنون برای جلوگیری از هرگونه برداشت نادرست بنده و امثالهم دستور فرمایید اطلاع‌رسانی‌هایی لازم در موارد زیر انجام گیرد:

۱- اعضای داوران علمی آن همایش معرفی شوند تا روشن شود این همایش برآیند کدامین سطح خرد است؟ آیا همین شورای علمی نوپدید چرا از ابتدای کار معرفی نشدند؟ (اگر حوصله داشتید به جناب هوش مصنوعی بفرمایید روابط میان شورای علمی و سخنرانان این همایش را رسم کند تا دریابید این پوستر و پوستربازی چقدر ساختگی است؟ چرا از اول این کهها را مجموعه سخنرانی منتخب ننامیدید؟

۲- فرایند بررسی مقالات مشخص گردد که هر مقاله با چه مکانیزم‌هایی داوری شده اند.

۳- آیا افراد منتخب در کنفرانس در تاریخ‌های مقرر خلاصه مقاله و اصل مقاله ارائه کرده‌اند و مورد تایید قرار علمی گرفته‌اند؟

۴- افرادی که مقاله شان برای ارائه تایید نشده، پاسخ داده شود که چرا مقاله آنها تایید نشده است.

۵. آیا هیچ توجه کرده اید که این اصطلاح پِنل هم در ایران دکانی شده در همایشها برای عده ای که از راه برسند و سخنرانی های منفرد فی البداهه در کنار هم داشته باشند؟

۵- منظور از تایید رسانه ای چیست؟ مگر افرادی که برای یک همایش مقاله می فرستند، تامین کنندگان بی جیره و مواجب مقالات برای رسانه های رفقای دست اندرکاران هستند که آن دبیرخانه برایشان پیدا کند؟

جناب آقای دکتر ظریف

بنده یک معلم و هر معلمی باید پیوسته در این تفکر باشد که اندیشه اش را اصلاح و تکمیل کند لذا امیدوارم اعلام نتایج داوری مقالات همایش وفاق ملی خلاف شرع(!؟) نباشد و به بنده نشان دهند اشکالات کارم چه بوده تا آن را اصلاح کنم. راستی آیا در این وانفسای آزرده گی سیاسی حوصله آن را دارید به این فکر کنید دستمزد یک مقاله نویس جهان سومی که مقاله اش تایید نشده است، یک کارت دعوت مجازی نیز نبوده است؟ (امیدوارم پاسخ خنک پوپولیستی داده نشود که آقا ملت ایران را ما دعوت کردیم به همایش، شما هم یکی از ملت ایران. تا آن وقت پاسخ بشنوند واسفا بر وفاقی که از چنین همایشی زاید که درکش این باشد.)

باری، امیدوارم راهبرد هایی که در آن معاونت مدون خواهید کرد، نیز اجرای عملیاتی اش چون این همایش نباشد. همایشی که گمان میرفت کاری اداری از جانب جنابان تلقی نشده و برخورد تفویضی با آن نکنید و به رغم تمامی تنگناها بر آن حساسیت ویژه اعمال کنید شاید تنها فقط جمله ای از مقاله ای در ذهن شما جرقه ای می زد و برای کاری راهی باز می شد. این بود حداقل انتظاری از مردی که به سیاست از منظر علم می نگرد.

(امیدوارم آنچه نوشته آمد را فقط حاصل آزدگی کسی که مقاله‌اش برای سخنرانی
تایید نشده تلقی نفرمایید. زیرا نگارنده دیری است که با صائب تبریزی هم سخن
است که :

در شنیدن بر سخنور منت احسان نهند.

شد سخن در روزگار ما چنان کاسد که خلق

غلامرضا خاکی